

مبانی فقهی حقوق اسلامی، سال سیزدهم، شماره بیست‌وشش، پاییز و زمستان ۱۳۹۹، ص ۳۳-۵۷

تأملی بر نسبت بین تعهد به ارائه‌ی اطلاعات و قاعده تحذیر^۱

ریحانه حسنیپور

دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران

اسد الله لطفی^۲

دانشیار فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی، قزوین، ایران

مرضیه پیلهور

استادیار فقه و حقوق، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران

چکیده

نیاز جامعه‌ی امروزی و ضرورت مطلع شدن مصرف‌کننده از اطلاعات اساسی کالا، حقوق‌دانان را بر آن داشت تا نظریه‌ی «تعهد به ارائه اطلاعات در قرارداد» را پیشنهاد کنند. بر مبنای این نظریه طرفی که در قرارداد آگاه‌تر می‌باشد مکلف است اطلاعات خود نسبت به موضوع قرارداد را در اختیار طرف ناآگاه قرار دهد. این مفهوم شباهت فراوانی به قاعده تحذیر دارد. از این روی پرسش اصلی تحقیق حاضر را می‌توان این‌گونه مطرح نمود: وجوه اشتراک و افتراق قاعده تحذیر و لزوم ارائه‌ی اطلاعات کدام‌اند. ایده‌ی مطلوب نگارنده این است که ضمن مقایسه وجوه اشتراک و افتراق تعهد به ارائه‌ی اطلاعات و قاعده تحذیر بُعد مدنی قاعده تحذیر را نیز نمایان سازد چراکه در مباحث فقهی و حقوقی این بُعد قاعده مغفول واقع شده و بیشتر توجه به بعد کیفری آن شده لذا مقایسه مذکور می‌تواند ماهیت حقوقی قاعده تحذیر را بهتر نمایان کند. هم‌چنین تعهد به ارائه‌ی اطلاعات که ادعا می‌شود از حقوق غربی اقتباس شده است ریشه در قاعده فقهی تحذیر دارد.

کلیدواژه‌ها: مسئولیت مدنی، قاعده تحذیر، لزوم ارائه‌ی اطلاعات.

۱. تاریخ وصول: ۱۳۹۸/۴/۵؛ تاریخ تصویب: ۱۳۹۹/۱۲/۲۷

۲. پست الکترونیک (مسئول مکاتبات): Hajebi65@yahoo.com

بیان مسئله

تعهد به ارائه‌ی اطلاعات از مفاهیم حقوقی است که پیشینه تاریخی قابل توجهی داشته و در عصر حاضر نیز بیشتر از پیش مورد توجه قرار گرفته است.

پیچیدگی محصولات جدید، قانون‌گذاران را واداشته است که تعهدی مبنی بر ارائه‌ی اطلاعات لازم جهت استفاده از این محصولات را بر تولیدکننده و عرضه‌کننده تحمیل کنند، مبنای این تعهد ممکن است قراردادی و غیرقراردادی باشد. در مبنای نخست، این تعهد از مصادیق تسلیم کالا است که به صورت تضمین‌های صریح یا ضمنی در قرارداد مقرر شده است و در مبنای دوم مسئولیت مبتنی بر تقصیر یا مسئولیت محض می‌باشد.

عدم ایفای چنین تعهدی می‌تواند پیامدهای حقوقی را به همراه داشته باشد؛ به عنوان نمونه عدم اطلاع‌رسانی به‌ویژه در مورد عیب کالا، تدلیس محسوب می‌شود که اطلاع زیان‌دیده از وجود عیب می‌تواند منجر به رفع مسئولیت و اسقاط خیار شود. از طرفی با تحذیر نیز می‌توان عیب یا احتمال خطر و ضرر را به اطلاع زیان‌دیده رساند. بنابراین، می‌توان ادعا نمود که بین قاعده‌ی تحذیر و لزوم اطلاع‌رسانی به طرف قرارداد وجه اشتراک وجود دارد. از همین رو، مقایسه مقررات حاکم بر هر دو نهاد حقوقی در خور مطالعه‌ی تطبیقی خواهد بود. این مفهوم از فقه در قاعده‌ی فقهی تحذیر مورد مطالعه قرار می‌گیرد که طبق این قاعده هرگونه هشدار و تحذیر موجب رفع مسئولیتی است، من جمله مسئولیت مدنی که در کالای معیوب وجود دارد. *مجموعه مقالات فقهی علوم انسانی* پرسش اصلی تحقیق حاضر عبارت است از: چه نوع رابطه همبستگی‌ای بین قاعده تحذیر و لزوم ارائه‌ی اطلاعات وجود دارد؟ تحقیق حاضر با اهداف، معرفی و شناساندن قابلیت قاعده تحذیر و لزوم ارائه اطلاعات در رفع مسئولیت مدنی، به رشته تحریر در آمده است.

۱. مفهوم تحذیر

تحذیر؛ ترسانیدن. تحذیر و آگاهی. تحذیر آن است که مخاطب را به امری که اجتناب از آن واجب است متوجه کنند (دهخدا، ۱۳۷۷ش، ج ۳، ص ۴۳۳). به عبارت دیگر آگاه نمودن، مطلع و متوجه ساختن می‌باشد. یعنی فردی به واسطه خبر دادن و اخطار به دیگران، آنان را متوجه حادثه‌ای کند تا خود را از معرض آن رها ساخته و دچار آسیب نشوند (علی‌عسگری، صالحی، جعفرزاده، ۱۳۹۶ش، ص ۱۱؛ انصاف‌پور، ۱۳۸۱ش، ص ۱۲۲؛ انوری، ۱۳۸۱ش، ص ۱۱۸). «حذار» اسم فعل از حذر با فتح‌حاء می‌باشد و در لغت به معنای مواظب باش، برحذر باش است (معلوف، ۱۳۸۲ش، ص ۵۸).

در کتب لغوی عرب «حذار» را به معنای «إحذر» معنی کرده‌اند و عده‌ای هم «حذار» را «إحذر» معنی کرده‌اند. صاحب لسان العرب در توضیح حذار می‌نویسد: و كأنه جاء به علی لفظ نذیرک و حذار یا فلان ای إحذر» (ابن منظور، ۱۴۱۲ق، ج ۱۱، ص ۶۵).

راغب در مفردات علاوه بر معنای «إحذر» برای «حذار»، دوباره حذار را هم به معنای «إحذر» آورده‌اند (اصفهان‌ی، ۱۳۷۶ش، ج ۲، ص ۴۵).

دیگر کتب فقهی از جمله مَنْ لَا يَحْضُرُ الْفَقِيهَ، الْمَهْذَبُ وَ رَوْضَةُ الْمُتَّقِينَ «حَذَارِ» را «إِحْدَر» معنا کرده‌اند (شیخ صدوق، ۱۳۶۶ش، ج ۴، ص ۹۳).

بنابر قاعده‌ی مذکور، اگر فردی قبل از انجام عمل زیانبار که احتمال دارد از آن، آسیبی به دیگری وارد شود، هشدار دهد؛ با وجود این، مخاطب به هشدار بی‌اعتناء باشد و خود را در معرض خطر قرار دهد و در نتیجه فعل هشداردهنده خسارتی به مخاطب هشدار وارد آید، هشداردهنده مسئولیتی نخواهد داشت (محقق داماد، ۱۳۷۴ش، ص ۲۳۵).

بنابراین، اساس این قاعده در مواردی که بی‌اعتنایی به هشدار موجب ضمان و مسئولیت مدنی یا کیفری است، می‌تواند سلب مسئولیت نماید و ضمان را از ذمه‌ی مکلفان بردارد. برای مثال، چاله‌هایی که در خیابان‌ها توسط شهرداری برای ارائه‌ی خدمات شهری حفر می‌شود و نصب علائم هشداردهنده‌ی در محل‌های خطرناک، می‌تواند مصداقی از

این قاعده باشد و یا در بزرگراه‌ها و جاده‌ها، زیر پل عابر پیاده و مانند آن، نصب پل عابر پیاده خود به منزله‌ی تحذیر یا هشدار است و رافع مسئولیت خواهد بود. صدها مثال دیگر از این قبیل همگی حاکی از کاربرد قاعده‌ی مذکور در جوامع امروزی است (صبح‌مشهدی، ۱۳۸۱ش، ص ۲۰).

خلاصه مفاد قاعده‌ی تحذیر این است که اگر عامل زیان پیش از اقدام به کاری که احتمال دارد از انجام آن، خطری متوجه فرد دیگری گردد، اخطار دهد و دیگران را از وجود خطر آگاه نماید (علی‌عسگری، صالحی، جعفرزاده، ۱۳۹۶ش، ص ۱۱)، با وجود این، مخاطب به هشدار وی بی‌توجهی کند و ترتیب اثر ندهد و خود را در معرض خطر قرار دهد، هشداردهنده ضامن نمی‌باشد.

بنابراین، اساس این قاعده، در مواردی است که عدم توجه به آن سبب ضمان و مسئولیت باشد و مسئولیت را از ذمه‌ی مکلفان و اشخاص حقیقی و حقوقی بردارد.

۲. مفهوم تعهد به ارائه اطلاعات

مصرف‌کننده در دنیای پیچیده‌ی تولید، در بسیاری موارد از ترکیبات کالا، کیفیت تولید و طرز استفاده از آن، اطلاعاتی در دست ندارد. مصرف‌کننده طبیعتاً نه کیفیت محصولات را می‌شناسد، نه بر مضرات احتمالی آن وقوف کامل دارد. حتی ممکن است در مراحل تولید، کالاهایی تولید شود که معیوب باشد و مصرف‌کننده با استفاده از آن متحمل خسارت شود. از طرفی توسعه‌ی صنایع و پیچیدگی نظام تولید، مصرف‌کننده را در مقابل این‌روند و گاهی سلامت و ایمنی آن‌ها را نیز با خطر مواجه می‌کند؛ بنابراین لازم است این اطلاعات به مصرف‌کننده ارائه گردد (قاسمی‌حامد، ۱۳۷۵ش، ص ۳) لذا نظام حقوقی برای تحمیل این تکالیف نهاد حقوقی «تعهد به ارائه اطلاعات» را تأسیس نمود (مددی، ۱۳۸۸ش، ص ۱۰۹). این اطلاعات شامل عیوب، محتوا و ترکیبات، نحوه استفاده، مضرات و... کالا است.

۳. مقایسه موضوع قاعده‌ی تحذیر و لزوم ارائه‌ی اطلاعات

۳.۱. موضوع قاعده‌ی تحذیر

موضوع قاعده تحذیر اعلام خطر احتمالی است که در شرف وقوع می‌باشد، به نحوی که در بین عقلاء مرسوم است، هرگاه قصد انجام عملی را دارند که در آن احتمال بروز حادثه و ایراد خسارت به دیگران است، با اخطار دادن و آگاهی‌دادن افراد نسبت به وضعیت مخاطره آمیز، خود را از عواقب و پیامدهای آن مبرا می‌سازند. این بنای عقلایی، مضمون قاعده فقهی تحذیر است که به موجب آن هرگاه کسی قبل از انجام عمل مخاطره‌آمیز، به‌طور مناسب هشدار دهد، ولی شنونده توجه نکند و در پی آن خسارتی به وجود آید، مسئولیتی متوجه هشداردهنده نیست (موسوی الخویی، ۱۳۹۶ق، ص ۲۳۱؛ محقق داماد، ۱۳۸۴ش، ج ۲، ص ۲۱۰).

در نتیجه قاعده تحذیر فقط هشدار را در بر می‌گیرد که دال بر خطرات قریب الوقوع یا محتمل الوقوع است، همان‌طور که از مبانی و مستندات این قاعده استنباط می‌شود. لذا تحذیر بر چیزی غیر از خطر دلالت ندارد، آن هم خطری که فرد زیان دیده به آن واقف نبوده و نسبت به آن جاهل یا غافل بوده است.

۳.۲. موضوع تعهد به ارائه‌ی اطلاعات

موضوع تعهد به ارائه‌ی اطلاعات با در نظر گرفتن خصوصیات کالا تعیین می‌شود و به علت اختلاف در نوع کالا، تنوع زیادی دارد. لذا آنچه باید به اطلاع مصرف‌کننده برسد، ممکن است در کالایی دیگر ضروری نباشد. لیکن به‌طور کلی می‌توان از ۵ منظر قائل به ارائه‌ی اطلاعات کالا باشیم که در ذیل به بررسی آن‌ها می‌پردازیم:

۳.۲.۱. اطلاعات مربوط به عیوب کالا

ضرورت ارائه‌ی اطلاعات در خصوص اموال معیوب و خطرناک در عرصه‌ی حقوقی اکثر

جوامع بشری، مورد توجه بوده. کالاهای بسیاری وجود دارد که معیوب و خطرناک است، عرضه‌کننده مکلف است عیوب پنهان کالا را به اطلاع مصرف‌کننده برساند. لذا عدم ارائه‌ی اطلاع در مورد عیوب آشکار موجب نقص تعهد به ارائه‌ی اطلاعات محسوب نمی‌شود و لیکن اگر فروشنده مطلع باشد که مصرف‌کننده نمی‌تواند متوجه‌ی عیوب آشکار و بدیهی کالا شود به نظر می‌رسد که اصل رعایت انصاف ایجاب می‌نماید که وی اطلاعات لازم در این خصوص را مصرف‌کننده ارائه دهد. برای مثال، متصدی داروخانه هنگام عرضه داروی خواب‌آوری لازم است که اطلاعات ضروری را به آگاهی خریدار برساند وگرنه مسئول است (مددی، ۱۳۸۸ش، ص ۱۱۲).

تعریف کالای خطرناک و معیوب به تدریج به هم نزدیک است. کالایی را معیوب و خطرناک می‌خوانند که عیب و خطر آن بیشتر از انتظار متعارف مصرف‌کننده‌ی باشد و او نتواند آن مقدار از خطر را پیش‌بینی کند یا نحوه‌ی استعمال آن پیچیده، مشکل و خطرناک باشد و هشدار و راهنمایی کافی به همراه نداشته باشد. تولید کالای خطرناک را نباید با تولید کالای معیوبی که خطرآفرین شده اشتباه گرفت؛ زیرا خطر ناشی از کالای خطرناک، ذاتی است و به تقصیر تولیدکننده ارتباط ندارد، در حالی که خطر کالای معیوب عرضی و ناشی از تقصیر تولیدکننده در پرهیز از خطرهای احتمالی و کوشش در راه تأمین ایمنی مصرف‌کنندگان است (علی عسگری، صالحی، جعفرزاده، ۱۳۹۶ش، ص ۱۳؛ کاتوزیان، ۱۳۸۴ش، ص ۱۵۶).

نقض تعهد به دادن اطلاعات، نه تنها موجب ایجاد مسئولیت برای عرضه‌کننده است بلکه موجب می‌شود کالای فروخته شده معیوب محسوب شود. در توجیه این مطلب می‌توان گفت ارائه‌ی اطلاعات لازم و ضروری در خصوص ویژگی‌های بیع جزء و تابع بیع محسوب می‌شود و نقص در جزء بیع، عیب آن می‌باشد. هم‌چنین عدم افشای اطلاعات در خصوص چگونگی بهره‌برداری و استفاده‌ی بهینه از بیع و اعلام خطرهای موجود در آن از مصرف و انتفاع متعارف آن می‌کاهد و این خود منجر به معیوب شدن بیع می‌شود

(صالحی و ابراهیمی، ۱۳۹۱ش، ص ۶۹).

۳.۲.۲. اظهارهای مربوط به خطرات احتمالی کالا

بخش دیگری از اطلاعاتی که لازم است در اختیار مصرف‌کننده قرار گیرد، اظهارها هستند. نقش اظهارها، مطلع نمودن استفاده‌کننده یا شخص ثالث، از خطرهای موجود در کالا می‌باشد. بسیاری از کالاها اگر چه درست و کامل هستند، اما برای هرگونه استفاده یا استفاده‌ی خاصی که در خصوص آنها در نظر گرفته شده است، ناسالم و خطرناک می‌باشند مگر این‌که استعدادها و قابلیت‌ها و به‌طور کلی خصوصیات آنها برای خریداران و استفاده‌کنندگان معلوم شده باشد از این‌رو، عرضه‌کننده و فروشنده تعهد به ارائه‌ی اطلاعات ضروری و لازم نسبت به خریداران را دارد (فتاح‌زاده و امینی، ۱۳۹۱ش، ص ۱۳۵؛ قاسمی‌حامد، ۱۳۷۵ش، ص ۵).

لذا فروشنده موظف است اطلاعات ضروری در خصوص کالا را افشاء نماید. در مواردی که مبیع دارای خطرهای طبیعی و آشکار است و یا این‌که خطرهای آن به راحتی قابل کشف نیست و هم‌چنین در مواردی که خطر از استفاده غیرقابل پیش‌بینی کالا ناشی می‌شود، عرضه‌کننده تعهدی به ارائه‌ی اطلاعات ندارد (صالحی و ابراهیمی، ۱۳۹۱ش، ص ۷۰).

۳.۲.۳. دستورهای مربوط به استفاده بهتر از کالا

بخشی از اطلاعاتی که عرضه‌کننده باید در اختیار مصرف‌کننده قرار دهد، در چارچوب دستورها قرار می‌گیرد. دستورها و تعلیمات تعیین می‌کنند که چگونه می‌توان انتفاع بیشتری از کالا حاصل نمود. اطلاعاتی که باید ارائه شوند عبارت است از: راهنمای استفاده از کالا، تاریخ تولید و نیز تاریخ مصرف در مورد کالاهایی که تا تاریخ معین فرصت دارند، دستورالعمل‌ها و راهنمای ضروری جهت استفاده‌ی بهینه از کالا و نگهداری آن و راهنمای

نصب کالا هستند. در صورتی که کالای معیوب، خطرناک باشد صرف اعلام دستورهای نحوه استفاده از آن موجب رفع مسئولیت فروشنده و اجرای کامل تعهد به ارائه اطلاعات نمی‌شود، بلکه عرضه‌کننده مکلف است اخطارها در خصوص عیوب و خطرات موجود در کالا را به اطلاع مصرف‌کننده برساند (همان، ص ۷۰).

۳. ۲. ۴. اطلاعات فنی مربوط به مشخصات کالا

بخش دیگری از اموری که می‌تواند موضوع افشای اطلاعات قرار گیرد ارائه‌ی اطلاعات فنی است که شامل: فرمول‌های ساخت، اطلاعات مهندسی، مشخصات فنی، نحوه نگهداری کالا و اطلاعات آزمایشگاهی کالا می‌باشد. برای نمونه، معمولاً در کاتالوگ بنخاری‌های گازی، به اطلاعات فنی از قبیل: ابعاد، وزن، نوع ساخت، فشار گاز مایع، ظرفیت حرارتی و... اشاره می‌شود (قاسمی، ۱۳۷۵ش، ص ۶).

۳. ۲. ۵. تعهد به دادن اطلاعات مشاوره‌ای

طرف متخصص مکلف به تأمین اطلاعات تفصیلی و قابل تطبیق بر کالای موضوع قرارداد و اطلاعات لازم نسبت به موفقیت در اجرای پروژه و کارایی آن، به مشتری غیرمتخصص است. بدین منظور که مشتری غیرمتخصص بتواند در انعقاد قرارداد تصمیم درست بگیرد. برای مثال، فروشنده و متخصص در فروش نرم افزار باید مشتری غیرمتخصص خود را در جریان کاربردهای خاص نرم افزار که پیشنهاد می‌نماید، قرار دهد و قابلیت بازدهی آن را با توجه به پروژه‌ی مورد نظر در اختیار خریدار غیرمتخصص قرار دهد. خودداری از انجام این تعهد، سبب تعهد برای کسی است که از ایفای آن خودداری نموده است. قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان نسبت به نوع اطلاعاتی که باید توسط عرضه‌کننده ارائه شود، در بند ۲ ماده‌ی ۳ مقرر داشته که عرضه‌کنندگان مکلف‌اند اطلاعات ضروری از قبیل: نوع، کیفیت، کمیت، آگاهی‌های مقدم بر مصرف، تاریخ تولید و انقضاء مصرف را باید به

مصرف‌کنندگان اطلاع‌رسانی نمایند (قاسمی‌حامد، ۱۳۷۵ش، ص ۶).

استدلال: همان‌طور که ملاحظه نمودید قلمرو تعهد به ارائه‌ی اطلاعات بسیار گسترده‌تر از قاعده تحذیر است و شامل مواردی از قبیل: ارائه‌ی اطلاعات مربوط به عیوب کالا، خطرات احتمالی کالا، دستورهای مربوط به استفاده بهتر از کالا، اطلاعات فنی و مشاوره‌ای و ... می‌باشد، در حالی که قاعده تحذیر بر چیزی غیر از خطر دلالت ندارد، آن هم خطری که فرد زیان دیده به آن واقف نبوده است و نسبت به آن جاهل یا غافل بوده است. لذا فقط از این حیث با تعهد به ارائه‌ی اطلاعات اشتراک دارد و نسبت به سایر وجوه تعهد به ارائه‌ی اطلاعات اشتراکی وجود ندارد. لذا باید گفت از این حیث بین آن‌ها نسبت عموم و خصوص مطلق وجود دارد.

خلاصه این‌که قلمرو قاعده تحذیر فقط شامل دفع ضرر می‌شود اما تعهد به ارائه‌ی اطلاعات علاوه بر دفع ضرر، جلب منفعت را نیز در برمی‌گیرد.

۴. وجوه اشتراک و افتراق قاعده تحذیر و لزوم ارائه‌ی اطلاعات

۴.۱. بررسی نوع مسئولیت لزوم ارائه‌ی اطلاعات

مسئولیت قراردادی اولین مرحله از مراحل چندگانه توسعه و تحول مبانی مسئولیت تولیدکننده‌ی کالا به شمار می‌آید. مطابق چنین مبانی، مسئولیت متعارف فروشنده‌ی کالا در محدوده رابطه‌ی خصوصی و قراردادی او اعمال می‌شود. (مصدق) چنان‌که در نظام حقوقی ایران، خریدار کالای معیوب این امکان را دارد که معامله را فسخ نماید و بهای داده شده را در برابر تسلیم مبیع، پس بگیرد یا این‌که مطالبه آرش نماید و از بهای قراردادی بکاهد. در سیستم سابق حقوقی کشورهای دیگر هم مسئولیت فروشنده، ریشه‌ی قراردادی داشته و محدود به رابطه‌ی متعاملین بوده یعنی تولیدکننده تمام هزینه‌های تولید معیوب را نمی‌پرداخت و مسئولیت او هم به جبران خسارات نخستین مصرف‌کننده که از عیب آسیب‌دیده محدود بود (بزرگمهر، ۱۳۸۵ش، ص ۴۰).

(مصدق) به موجب مواد قانون ۲۳۷-۲۴۰ مدنی^۱ نیز بنابر تعهداتی که ناشی از قرارداد است متعهد ملزم به ایفای تعهد است و اگر الزام به ایفا ممکن نباشد معامله فسخ می‌شود.

هم‌چنین در صورت بروز خسارت ناشی از نقض تعهد به ارائه‌ی اطلاعات نیز قابل جبران است (رک. مواد ۲۲۱ ق. م^۲)

۴. ۱. ۱. بررسی مسئولیت قراردادی لزوم ارائه‌ی اطلاعات

۴. ۱. ۱. ۱. براءت ذمه متعهد اصلی

همان‌طور که از تعریف تعهد به ارائه‌ی اطلاعات، ماهیتی قراردادی دارد و نوعی تعهد است که عرضه‌کننده یا تولیدکننده کالا به صورت تبعی موظف به ارائه کلیه‌ی اطلاعات راجع به کالا می‌باشد، بنابراین می‌توان گفت که ارائه‌ی اطلاعات از توابع تسلیم کالا است و اگر این امر تحقق نیابد به منزله‌ی عدم اجرای تعهد است.

از طرفی اثر اصلی و اولی ایفاء، تعهد پایان رسیدن تعهد و بری شدن ذمه متعهد است، در قانون مدنی، ایفاء (وفای به عهد) از جمله عوامل سقوط تعهد محسوب می‌شود

۱. ماده ۲۳۷- هرگاه شرط در ضمن عقد شرط فعل باشد کسی که ملتزم به انجام شرط شده است باید آن را انجام دهد و در صورت تخلف طرف معامله می‌تواند به حاکم رجوع نماید تقاضای اجبار به وفاء شرط بنماید. ماده ۲۳۸- هرگاه فعلی در ضمن عقد شرط شود و اجبار ملتزم به انجام آن غیرمقدور ولی انجام آن به وسیله شخص دیگری مقدور باشد حاکم می‌تواند بخرج ملتزم موجبات انجام آن فعل را فراهم کند. ماده ۲۳۹- هرگاه اجبار مشروط علیه برای انجام فعل مشروط ممکن نباشد و فعل مشروط هم از جمله اعمالی نباشد که دیگری بتواند از جانب او واقع سازد طرف مقابل حق فسخ معامله را خواهد داشت. ماده ۲۴۰- اگر بعد از عقد انجام شرط ممتنع شود یا معلوم شود که حین العقد ممتنع بوده است کسی که شرط بر نفع او شده است اختیار فسخ معامله را خواهد داشت مگر این‌که امتناع مستند به فعل مشروط له باشد.

۲. ماده ۲۲۱- اگر کسی تعهد به فعل یا ترک امری نماید در صورت تخلف مسئول خسارت طرف مقابل است منوط بر این‌که جبران خسارت تصریح شده و یا تعهد بنا بر عرف به منزله تصریح باشد و یا بر حسب قانون موجب ضمان باشد.

(مصدق) (ماده ۲۴۶). به عبارتی، اثر ایفاء، سقوط دین به‌شمار آمده و قانون‌گذار به‌جای عبارت «برائت ذمه متعهد» از عبارت «سقوط تعهد» استفاده نموده است (کاتوزیان، ۱۳۷۱ش، ج ۴، ص ۶۸۴). بهتر است بگوییم با ارائه‌ی اطلاعات تعهد تسلیم مبیع به پایان می‌رسد.

بنابراین ارائه‌ی اطلاعات نوعی تعهد است که با ایفاء آن تعهد به پایان می‌رسد و چیزی بر ذمه متعهد باقی نمی‌ماند. لذا ایفاء (وفای به عهد) در این تعهد، بخشی از انگیزه اشخاص از ایجاب و قبول به چنین تعهداتی و به‌طور کلی انعقاد قراردادها است، بنابراین، اگر تحقق این انگیزه ممکن نباشد، قرارداد باطل یا منفسخ می‌شود (البته اگر تحقق آن امکان‌پذیر باشد می‌توان متعهد را ملزم نمود) (صفایی، ۱۳۸۱ش، ج ۲، ص ۳۰۲؛ کاتوزیان، ۱۳۸۳ش، ص ۵، ش ۱۰۶۰).

به عبارت دیگر ارائه‌ی اطلاعات موجب برائت ذمه متعهد می‌گردد و به سبب بری نمودن ذمه متعهد اصلی، به‌طور غیرمستقیم، ذمه متعهد تبعی و فرعی نیز بری می‌گردد، زیرا تعهد متعهد اصلی، علت اصلی ایجاد تعهد متعهد فرعی و تبعی است.

۴. ۱. ۱. ۲. اثبات تعهد

در هر تعهدی ایفاء، علامت و اماره‌ای برای اثبات وجود دین و تعهد محسوب می‌شود. به عبارتی هرگاه انسان عاقل و بالغی اقدام به عمل مادی یا حقوقی به نفع دیگری و به ضرر خود می‌کند، اماره و علامت این است که او متعهد بوده است، همین‌طور که از ماده ۲۶۵ قانون مدنی استنباط می‌شود.

۴. ۱. ۱. ۳. سقوط حق حبس

ارئه اطلاعات من جمله هشدار از توابع کالا محسوب می‌شود همان‌طور که کلید برای ورد به خانه مورد معامله از توابع آن است (مصدق) اطلاعات نیز برای بهره‌مندی مناسب از

کالا نیز توابع آن است چراکه بدون استفاده از اطلاعات نمی‌توان استفاده مطلوب از کالا نمود. لذا ارتباط مبحث حق حبس با تحذیر و ارائه اطلاعات این گونه مطرح می‌شود. با توجه به ماده ۳۷۷ قانون مدنی که حق حبس را برای متعاقدين در صورت مؤجل نبودن تعهد، هر یک از متعاقدين می‌تواند انجام تعهد خود را منوط به انجام تعهد دیگری نماید. رابطه و بستگی مزبور ناشی از قصد معاوضه است که متعاملین در انعقاد چنین عقدی دارند که هر یک از متعاملین تملیک و تعهد در مقابل تملیک و تعهد دیگری می‌نماید. در صورتی که یکی از متبایعین حق حبس خود را اعمال نماید و مبیع یا عوض آن را به طرف دیگر بدهد، دیگر نمی‌تواند استرداد آن را بخواهد تا از حق حبس استفاده کند، زیرا با تسلیم مورد تعهد، حق حبس ساقط می‌شود. بنابراین هرگاه به نحوی از انحاء به غیر از تسلیم، مال مورد تعهد به تصرف متعهد له درآید حق حبس متعهد ساقط نمی‌گردد و می‌تواند استرداد آن را بخواهد (امامی، ۱۳۹۵ش، ج ۱، ص ۴۵۹). در تعهدات معوض بین دو عوض رابطه علی و معلولی برقرار است و حق حبس نیز اثر و پیامد این رابطه است، بدیهی است که به محض ایفاء تعهد از جانب یک طرف، حق حبس طرف دیگر ساقط می‌شود و وی مکلف به انجام تعهد خویش خواهد بود (ماده ۳۷۸ قانون مدنی).

از مطالب فوق استنباط می‌شود؛ ارائه اطلاعات می‌تواند یکی از عوامل سقوط حق حبس باشد و بایع می‌تواند از ارائه اطلاعات امتناع نماید تا طرف مقابل به تعهدات خود عمل نماید.

البته تسلیم بعضی از مبیع یا تأدیة بعضی از ثمن، موجب اسقاط حق حبس متبایعین نسبت به آن مقداری که تسلیم و تأدیة نشده نمی‌باشد، زیرا حق مزبور نسبت به تمامی اجزاء مورد معامله است (همان). لذا تحویل کالا به مشتری حق حبس فروشنده را نسبت به ارائه اطلاعات ساقط نمی‌کند.

۴. ۱. ۱. ۴. امکان الزام به ارائه‌ی اطلاعات

در این مورد نیز بر مبنای وجود رابطه علی و معلولی بین دو عوض (تعهدات متقابل) در تعهدات معاوضی می‌توان گفت هنگامی که یکی از متعاملین تعهد خود را انجام می‌دهد و اگر تعهد طرف مقابل مؤجل نباشد، می‌تواند از وی انجام تعهد خویش را مطالبه نماید و در صورت امتناع، می‌تواند از مراجع قضائی بخواهد طرف مقابل را به انجام تعهدات ملزم نمایند.

به عبارتی دیگر ایفاء تعهدات سبب اسقاط حق حبس است و سقوط حق حبس، امکان الزام متعهد به ایفاء تعهد را فراهم می‌کند، پس می‌توان گفت ایفاء موجب الزام طرف مقابل به انجام تعهد است (مصادق: ماده ۳۷۶ و مواد ۲۱۹، ۲۲۰ و ۲۳۷ قانون مدنی).

۴. ۱. ۱. ۵. تدلیس در تعهد به ارائه‌ی اطلاعات

در اصطلاح حقوقی آن‌چنان‌که ماده ۴۳۸ ق.م مقرر می‌دارد: «تدلیس عبارت است از عملیاتی که موجب فریب طرف معامله بشود» لذا در اثر تدلیس امر حقیقی مشتبه می‌شود و در نتیجه معنای مشتبه واقعی جلوه می‌کند (امامی، ۱۳۹۵ش، ج ۱، ص ۴۹۶). و در اثر همین معنا طرف مقابل تشویق و ترغیب به انجام معامله می‌شود ولی اگر معنای واقعی را در می‌یافت هرگز حاضر به انعقاد قرارداد نمی‌شد.

از همین رو تدلیس نوعی تقصیر عمدی بوده که به منظور ایجاد و اشتیاق طرف مقابل و یا اشتباه انداختن او برای انعقاد عقد صورت می‌گیرد (امیری قایم مقامی، ۱۳۸۵ش، ج ۲، صص ۳۱۴-۳۱۵). اگرچه از تعریف قانون مدنی وقوع عملیات و فریب طرف معامله و هم‌چنین وجود رابطه نسبت بین عملیات و فریب استخراج می‌شود، ولی عمدی بودن کار فریبکارانه جزء لاینفک آن بوده و بدون آن تدلیس محقق نمی‌شود (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۳ش، صص ۱۷۹-۱۸۰).

در حقوق قراردادها، یکی از عواملی که موجب حق فسخ یا مطالبه خسارت می‌گردد،

«توصیف یا اظهار خلاف واقع» یکی از طرفین قرارداد است که موجب ترغیب طرف دیگر برای انعقاد قرارداد می‌شود و در نتیجه به او ضرر می‌رسد (وصالی‌ناصح، ۱۳۹۲ش، ص ۵۵). لذا برای کسی که فریب خورده خیار تدلیس ایجاد می‌شود (ماده ۴۳۹ق.م) در عقد نکاح نیز تدلیس از موجبات فسخ به‌شمار آمده است (ماده ۱۱۲۸ق.م).

در تحقق تدلیس، نوع عملیاتی که موجب فریب طرف مقابل می‌گردد طریقت دارد. به عبارت دیگر، هر نوع رفتار، گفتار یا عملی که در طرف مقابل و تصمیم او مؤثر واقع گردد می‌تواند رکن فعلی تدلیس باشد، حتی اگر اراده فرد به‌صورت ترک فعل در رفتار و گفتار او ظهور پیدا کند (امامی، ۱۳۹۵ش، ص ۴۷).

طریقت تحقق تدلیس مورد قبول فقه نیز قرار گرفته و شامل افعال سلبی (ترک فعل)

نیز می‌شود (مکارم شیرازی، ۱۴۲۴ق، ص ۲۶۰؛ صافی گلپایگانی، ۱۴۱۷ق، ص ۱۵).

بنابراین، سکوت یا کتمان نیز می‌تواند موجب تحقق تدلیس گردد و این امر در فقه و حقوق مورد قبول قرار گرفته است. البته باید گفت که تحقق تدلیس ضمان آور، مستلزم وجود قصد فریب (رکن معنوی) در تدلیس‌کننده است که لزوماً با علم و آگاهی و عمد همراه است. بنابراین، می‌توان گفت فقط سکوت عمدی (کتمان) می‌تواند موجب تحقق تدلیس گردد. در نتیجه، اگر سکوت عمدی کسی موجب فریب دیگری شود و از این طریق خسارتی به وی وارد آید، بر مبنای قاعده تدلیس، جبران خسارت به عهده ساکت خواهد بود (طاهری، ۱۴۱۸ق، ص ۲۰۶).

۴. ۱. ۲. بررسی مسئولیت مدنی لزوم ارائه‌ی اطلاعات

به موجب ماده ۵۱۵ قانون آئین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب ۱۳۷۹، خواهان حق دارد ضمن تقدیم دادخواست یا در اثناء دادرسی و یا به‌طور مستقل، جبران خسارت ناشی از تأخیر در انجام تعهد را که به علت تقصیر خواننده نسبت به اداء حق یا امتناع از آن به وی وارد شده، مطالبه نماید (قاسمی، ۱۳۸۶ش، ص ۴۶).

بدیهی است هنگامی که ایفاء صورت گیرد، از آن هنگام، دیگر خسارت تأخیر تأدیه قابل مطالبه نیست، چون تأخیری صورت نگرفته و این خسارت فقط نسبت به تأخیر تا زمان ایفاء تعهد محاسبه می‌شود.

۲.۴. نوع مسئولیت در قاعده تحذیر

همان‌طور که قبلاً ذکر شد تحذیر یک الزام شرعی و قانونی است که در طول تاریخ مورد توجه سیره و عرف عقلا بوده است.

پس در اطلاع رسانی هرگاه قاعده خاصی خواه به صورت قانون یا عرف وجود داشته باشد و برای کسی تکلیف و وظیفه‌ای را معین نماید، آن شخص باید به وظیفه قانونی یا عرفی خویش عمل کند در غیر این صورت مرتکب تقصیر (از نوع ترک فعل) شده و در مقابل زیان دیده مسئول قرار خواهد گرفت (حاجی نوری، ۱۳۹۱ش، ص ۱۴۶). به عبارت دیگر ترک فعل نیز مصادیق بارز تقصیر به شمار آمده است. در قانون مدنی ایران آمده است: «تفریط عبارت است از ترک عملی که به موجب قرارداد یا متعارف برای حفظ مال غیر لازم است.» (ماده ۹۵۲ ق.م.) بنابراین هرگاه عرف، عملی را برای حفظ مال غیر لازم و ضروری بداند، ترک آن عمل تقصیر به شمار می‌رود خواه مقصر طرف قرارداد باشد یا نه (مستفاد از ماده ۱۶۸، ۲۲۵، ۲۲۰، ۳۳۴، ۴۸۶ و... ق.م.). البته وجود این عرف باید محرز و مسلم باشد (علی عسگری، صالحی، جعفرزاده، ۱۳۹۶ش، ص ۱۲؛ قاسم‌زاده، ۱۳۷۸ش، ص ۴۲).

بنابراین ترک اعلام هشدار، مصداق بارز تقصیر است و تقصیر نیز از ارکان مسئولیت قهری شناخته می‌شود که موجبی غیر قرارداد دارد.

لذا از مطالب فوق این آثار فقهی و حقوقی از این نسبت‌گیری حاصل می‌گردد. استنباط می‌شود که از حیث نوع مسئولیت بین تحذیر و تعهد به ارائه‌ی اطلاعات نسبت تباین برقرار است.

استدلال ما این است که تعهد به ارائه‌ی اطلاعات موجبی قراردادی دارد و مسئولیت قراردادی محسوب می‌شود. این تفکیک دارای ثمرات زیر است:

در ضمان ناشی از تحذیر، اثبات تقصیر بر عهده‌ی خواهان است، چراکه اقتضای مسئولیت قهری چنین ایجاب می‌کند در حالی که در مسئولیت قراردادی فرض بر تقصیر خواننده است و خواهان فقط باید وجود قرارداد را ثابت نماید. لذا در تعهد به ارائه‌ی اطلاعات خواهان (متعهد) باید وجود تعهد را بر ذمه‌ی خواننده اثبات کند که با اثبات قرارداد، تعهد بر ذمه‌ی مدیون اثبات می‌شود. حال بر عهده‌ی خواننده است که ایفای تعهد یا عدم ایفای آن به سبب قوه قاهره را اثبات کند که قابل انتساب به او نیست (سنه‌وری، ۲۰۰۱م، ص ۱۴۵).

آثار فقهی و حقوقی دیگر از این نسبت‌گیری آن است که در الزام به ارائه‌ی اطلاعات، وجود اهلیت متعهد ضروری است، چراکه در مسئولیت قراردادی از یک عقد ناشی می‌شود و یکی از شروط صحت عقود، وجود اهلیت است، اما در الزام به تحذیر، صرف داشتن قوه تمیز کافی است، چراکه مسئولیت قهری فاقد ماهیت قراردادی است. لذا اعمال شروط صحت عقد در آن ضروری نیست.

۴. ۲. ۱. بررسی مسئولیت مدنی در تحذیر

یکی از مبانی اصلی و مهم که می‌توان مبنای مسئولیت در ترک اخطار و عدم حذار باشد، قاعده غرور است، بر اساس قاعده غرور فرد فریبکار (غار) مسئول جبران خسارت ناشی از فریب به فریب‌خورده (مغرور) است و علم یا جهل فریبکار شرط تحقق این مسئولیت نیست (رک. موسوی بجنوردی، ۱۳۸۵ش، ج ۱، صص ۱۴۲-۱۴۴) تحذیر نیز نوعی اطلاع رسانی است که عرفاً و شرعاً فرد ملزم به اخطار و هشدار نسبت به خطراتی است که ناشی از رفتار و اموال او است.

از برخی عبارات فقها وجود رابطه سببیت میان عمل خدعه‌آمیز و ورود ضرر فهمیده

می‌شود در مورد دلیل رجوع مشتری به بایع فضولی برای گرفتن غرامت نقل شده است: فروشنده، خریدار را فریفته و او را در خطر ضمان قرارداد و موجب تلف آن‌چه که خریدار غرامت می‌کشد گردیده است (شیخ انصاری، ۱۳۹۰ش، ص ۴۹۴) و در جایی دیگر می‌گوید: قوی‌تر بودن سبب نسبت به مباشر، به تنهایی دلیل رجوع مغرور به غار نیست مگر در صورتی که تلف به نظر عرف مستند به سبب باشد (همان، ص ۴۹۵).

هر غرامتی که بر شخص ناآگاه وارد گردد که منشأ آن شخص دیگری بوده باشد به طوری که فریب و تدلیس فرد اخیر سبب ورود غرامت باشد فریب‌دهند ضامن غرامت است (حسینی مراغی، ۱۴۲۵ق، ص ۴۴).

بنابر تعریفی که از قاعده تحذیر و ماهیت و مفاد آن شد، تحذیر از اسباب رفع مسئولیت است؛ برخلاف لزوم اراده‌ی اطلاعات که تعهد محسوب شده و با ایفای عهد مسئولیت و تعهد فرد ساقط می‌شود و به عبارت بهتر تعهد او به پایان می‌رسد، اما تحذیر صرفاً از خسارات به بار آمده رفع مسئولیت می‌کند.

آثار فقهی و حقوقی از این نسبت‌گیری این است که تأثیر عدم ارائه‌ی اطلاعات، علاوه بر لزوم جبران خسارت ناشی از عدم اطلاع رسانی، می‌تواند منجر به الزام متعهد به ایفای عهد یا حق فسخ طرف دیگر شود، در حالی که در عدم تحذیر فقط شاهد یک اثر هستیم و آن مسئولیت فرد نسبت به خسارت وارده است.

۴.۲.۲. تدلیس در قاعده تحذیر

همان‌طور که قبلاً بیان شد، قاعده تحذیر ماهیت غیر قراردادی دارد، در حالی که تدلیس در معاملات و قراردادها پیش می‌آید، لذا مسئولیت ناشی از تدلیس صرفاً غیر قراردادی است. در نتیجه از این حیث بین قاعده تحذیر و تعهد به ارائه‌ی اطلاعات نسبت عموم و خصوص مطلق حاکم است. چراکه عدم ارائه‌ی اطلاعات نوعی نقض تعهد محسوب می‌شود و هم‌چنین در صورت بروز زیان، التزم به جبران خسارت را به همراه دارد. بنابراین

تعهد به ارائه‌ی اطلاعات هم مسئولیت قراردادی و هم مسئولیت قهری را در بر می‌گیرد در حالی که قاعده تحذیر فقط شامل مسئولیت قهری می‌گردد.

۵. مقایسه کیفری قاعده تحذیر و لزوم ارائه‌ی اطلاعات

۱. ۵. مسئولیت کیفری در لزوم ارائه‌ی اطلاعات

ماده‌ی ۳۴ قانون تعزیرات حکومتی امور بهداشتی و درمانی مقرر داشته است: «کلیه‌ی تولیدکنندگان موظف‌اند برچسب اطلاعاتی بر روی کلیه محصولات و فرآورده‌های تولیدی خود الصاق نمایند و شماره پروانه ساخت و مهلت اعتبار مصرف (تاریخ مصرف) را نیز روی محصولات، حسب مورد، درج نمایند. تخلف از این امر جرم بوده و متخلف به مجازات‌های زیر محکوم می‌شود».

همان‌طور که در ماده فوق ملاحظه نمودید صرف امتناع از ارائه اطلاعات موجبات مجازات را فراهم می‌نماید و منتظر بروز خسارت نبوده. در حالی که در مورد قاعده تحذیر این‌گونه نبوده و باید ابتدا خسارتی به سبب ترک هشدار وارد شود و بعد فرد مجازات شود.

۲. ۵. بررسی مسئولیت کیفری قاعده تحذیر

قانون مجازات اسلامی ایران تحذیر را از عوامل سالب مسئولیت دانسته است برای نمونه در دو ماده زیر مقرر داشته:

ماده ۵۰۸ تبصره ۲- هرگاه کسی در ملک دیگری و بدون اذن او، مرتکب یکی از کارهای مذکور در ماده (۵۰۷) این قانون گردد و شخص ثالثی که بدون اذن وارد آن ملک شده است، آسیب ببیند، مرتکب عهده‌دار دیه است مگر ... مرتکب علامتی هشداردهنده بگذارد یا ...

و

ماده ۵۱۹- هرگاه دیوار یا بنایی که برپایه استوار و غیر متمایل احداث شده است در

معرض ریزش قرار گیرد ...، ضمان منتفی است مشروط به آن‌که به نحو مقتضی افراد در معرض آسیب را از وجود خطر آگاه کرده باشد ...

اسباب موجهه جرم به حالتی می‌گویند که به حکم قانون، جرم را مباح قلمداد نماید؛ این اسباب به فعل مرتکب و نه به شخص او مرتبط است، لذا شریک یا معاون جرم هم معاف از مجازات خواهند بود. برخلاف عوامل رافع که معاون یا شریک را معاف نخواهند کرد (لنگرود، ۱۳۹۳ش، ص ۵۴۳). به عبارت دیگر، همان عمل زیانباری که در وضعیت معمول، قابل مجازات محسوب می‌شود و با وجود شرایط خاص، ممنوعیت خود را از دست می‌دهد و نوبت به مسؤولیت نمی‌رسد، چون در این حالت عمل زیان‌بار فاقد عنصر قانونی می‌شود و تعقیب و مجازات منتفی می‌شود و نیز ممکن است تصور شود که در دفاع مشروع، مسؤولیت مدنی باقی می‌ماند، زیرا قانون‌گذار صرفاً به عدم مجازات اشاره کرده است. اما برای جلوگیری از این تصورات اشتباه، لازم است به جرم نبودن عمل در قانون تصریح شود و قطعاً اگر عملی جرم محسوب نشود، مسؤولیت و تعقیب و اجرای مجازات هم منتفی خواهد شد. حقوقدانان برای علل موجهه جرم از عناوین دیگری مانند علل تبرئه‌کننده، اسباب اباحه یا علل عینی عدم مسؤولیت استفاده نموده‌اند (گلدوزیان، ۱۳۷۶ش، ج ۱، ص ۴۲؛ ج ۲، ص ۱۷۳).

بنابراین در خصوص مسؤولیت کیفری نیز بین تعهد به ارائه‌ی اطلاعات و قاعده تحذیر نسبت عموم خصوص مطلق وجود دارد چراکه در تعهد به ارائه‌ی اطلاعات فرد مطلقاً متخاطی شناخته شده چه زیانی حاصل شود و چه نشود اما در قاعده تحذیر به شرط استناد زیان به ترک هشدار، می‌توان فرد را مسئول شناخت.

البته هم تعهد به ارائه‌ی اطلاعات و هم قاعده تحذیر هر دو عامل سلب مسؤولیت هستند که بنابر مفهوم مخالف استدلال فوق نیز نسبت عموم خصوص مذکور، از حیث سلب ضمان، حاکم است.

۴. ۱. تحلیل و نتیجه

در این مقاله به بررسی همبستگی بین قاعده تحذیر و تعهد به ارائه‌ی اطلاعات پرداخته شده و «وجوه اشتراک و افتراق» آن‌ها مورد مطالعه قرار گرفته است تا نسبت همبستگی آن‌ها مشخص گردد. دستاورد این مطالعه‌ی تطبیقی عبارت است از این‌که بین قاعده تحذیر و تعهد به ارائه‌ی اطلاعات نسبت همبستگی به صورت عموم خصوص مطلق وجود دارد که این نسبت‌ها را به شرح ذیل دسته‌بندی نموده‌ایم:

۱- بنابر مفاد تعهد به ارائه‌ی اطلاعات، طرف آگاه به خصایص و ویژگی‌های کالا ملزم به ارائه‌ی اطلاعات است؛ بنابراین باید گفت این نهاد حقوقی ماهیتی قراردادی دارد و نوعی تعهد است که عرضه‌کننده یا تولیدکننده کالا به صورت تبعی موظف به ارائه کلیه‌ی اطلاعات راجع به کالا می‌باشد. پس ارائه‌ی اطلاعات از توابع تسلیم کالا است و اگر این امر تحقق نیابد به منزله‌ی عدم اجرای تعهد است. اما به موجب قاعده تحذیر، هرکس قبل از اقدام به هرگونه عملیات خطرناک و خطرناک‌ساز، به سایرین هشدار و آگاهی لازم را به منظور گریز از خطر و حفظ جان و مال ایشان بدهد، در صورت بی‌توجهی و بی‌مبالائی مخاطب به هشدار مزبور و وقوع حادثه یا خسارت، معاف از مسئولیت مدنی و کیفری خواهد بود. بنابراین تعریف نمی‌توان گفت که این قاعده تعهد محسوب می‌شود بلکه از اسباب سلب مسئولیت می‌باشد لذا این دو از نظر آثار و پیامد حقوقی نیز باهم مغایرت دارند؛ یعنی با ارائه‌ی اطلاعات، تعهدی که به عهده فرد بوده به پایان می‌رسد اما با تحذیر نمودن، مسئولیت از عامل بروز خسارت جانی یا مالی سلب می‌شود.

۲- بنابراین تعهد به ارائه‌ی اطلاعات، ماهیت قراردادی دارد؛ لذا در صورت ترک این تعهد مسئولیت قراردادی به وجود می‌آید اما تحذیر ماهیت غیر قراردادی دارد پس مسئولیت ناشی از ترک حذار، مسئولیت قهری می‌باشد. البته الزام قانونی در قاعده تحذیر نیز نوعی تعهد به عرف و قانون است. هم‌چنین در تعهد به ارائه‌ی اطلاعات نیز غالباً تعهد مذکور تصریح نمی‌شود بلکه به طور ضمنی و بر مبنای عرف و قانون عرضه‌کننده کالا چنین تعهدی

می‌تواند داشته باشد، هرچند در قرارداد سکوت بماند.

۳- در حال حاضر کالاهای پیچیده‌ای وارد بازار شده‌اند که استفاده از آنها یا احتیاج به تخصص خاص دارد یا این‌که مستلزم رعایت دستورات و راهنمایی‌هایی است که عرضه‌کننده باید به مصرف‌کننده ارائه نماید. از طرف دیگر، عمده کالاهایی که در داخل و خارج تهیه و به مصرف‌کنندگان عرضه می‌شوند، از نظر ایمنی و کیفی استاندارد نبوده و علاوه بر این‌که موجب خسارت مالی می‌شوند بلکه در برخی موارد خسارت جانی نیز برای مصرف‌کنندگان به بار می‌آورند. در نتیجه حمایت از مصرف‌کنندگان، منوط به رعایت حقوق آنها می‌باشد. این اطلاعات نوعاً شامل اطلاعاتی می‌شود که در واقع بخشی از تعهدات و تسلیم صحیح کالا محسوب می‌شود که در صورت فقدان یا نقص در آن ممکن است موجب بروز خسارت گردد. این حقوق در برگیرنده‌ی مؤلفه‌هایی است که از جمله‌ی آنها می‌توان به آگاهی از اطلاعات لازم برای استفاده از کالاها، ترکیبات و محتویات کالا، مضرات استفاده صحیح و ناصحیح از کالا و ... اشاره نمود. از بین این اطلاعات فقط لزوم ارائه اطلاعات راجع به مضرات استفاده صحیح و ناصحیح از کالا، از تعهداتی است که مشمول قاعده تحذیر می‌شود. لذا از این حیث بین این دو نهاد حقوقی نسبت عموم و خصوص مطلق وجود دارد.

۴- بنابر مطالب فوق‌الذکر تعهد به ارائه اطلاعات که ماهیتی قراردادی دارد صرفاً در باب حمایت از حقوق مصرف‌کننده کاربرد دارد اما قاعده تحذیر دامنه شمول گسترده‌تری دارد.

۵- سکوت نسبت به تعهد به ارائه‌ی اطلاعات فی‌نفسه ضمان‌آور است. به عبارتی دیگر عدم اطلاع‌رسانی در مورد هر یک از موارد فوق به‌ویژه عیب از مصادیق تدلیس است. در فقه نیز ضمان ناشی از سکوت (کتمان) در بحث تدلیس، در نکاح و اعلام عیب در بیع مورد پذیرش قرار گرفته است. در نظام حقوق عرفی، سکوت به عنوان یکی از طرق تحقق تدلیس در حقوق قراردادها مورد بحث قرار می‌گیرد و اثر آن ایجاد حق فسخ یا حق مطالبه

خسارت می‌باشد و فرد، مسئول به ایفای تعهد ارائه اطلاعات است. لذا منتظر وقوع ضرر و زیان نمی‌مانیم. برخلاف قاعده تحذیر، طبق این قاعده هرگونه هشدار و تحذیر موجب رفع مسئولیتی است، من جمله مسئولیت مدنی که در کالای معیوب وجود دارد اما تا زمانی که خسارتی به بار نیامده باشد فرد ضامن نیست. لذا باید منتظر بروز ضرر و زیان بود و اثر این سکوت چیزی جز مسئولیت جبران خسارت نیست؛ برخلاف تعهد به ارائه اطلاعات که علاوه بر این مسئولیت ممکن است خیار فسخ را نیز به وجود آورد.

۶- همان‌طور که از تعریف و ماهیت تعهد به ارائه اطلاعات به دست می‌آید، این نهاد حقوقی یک قرارداد است و اثر ایفای چنین قراردادی سلب مسئولیت و اسقاط تعهد، اسقاط حق حبس، اثبات دین و تعهد و ... است. اما تحذیر فاقد ماهیت قراردادی است. لذا آثار قرارداد را هم ندارد، تنها اثر قاعده تحذیر سلب مسئولیت است.

۷- دامنه مسئولیت کیفری در لزوم ارائه اطلاعات گسترده‌تر است چون مطلقاً فردی که از ارائه اطلاعات امتناع کند مجازات می‌شود و منتظر بروز زیان نیستیم برخلاف تحذیر که ضمان منوط به تحقق زیان است.

۲.۴. پیشنهادها

- ۱- نظریه تعهد به ارائه اطلاعات و قاعده فقهی تحذیر دارای فوائد متعددی است که می‌تواند نظام حقوقی ما را انسجام بخشد؛ لذا به نظر لازم می‌رسد که قانون‌گذار توجه بیشتری به این قاعده بنماید و بیشتر از آن در قوانین عام و خاص استفاده نماید.
- ۲- باید قانون‌گذار و مراجع ذیصلاح، تولیدکنندگان را ملزم به کسب اطلاعات کافی و به‌روزرسانی معلومات و تخصصات لازم جهت تولید کالا نمایند تا بتوانند تعهد به ارائه اطلاعات را به نحو مطلوب انجام دهند.
- ۳- متأسفانه در اکثر قوانینی که به لزوم ارائه اطلاعات و تحذیر حکم شده است، توجه چندانی به شرایط ارائه اطلاعات نشده است. از این رو پیشنهاد می‌شود که این

شرایط به صراحت در ذیل احکام مذکور درج شوند.

منابع

- ابن منظور، ابولقاسم، لسان العرب، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۱۲ق.
- اصفهان‌ی، راغب، مفردات الفاظ القرآن، تحقیق: ندیم مرعشلی، تهران، مرتضوی، ۱۳۷۶ش.
- امامی، حسن، حقوق مدنی، چاپ چهاردهم، تهران، کتاب فروشی اسلامیة، ۱۳۹۵ش.
- امیری قائم مقامی، عبدالمجید، حقوق تعهدات، چاپ سوم، تهران؛ نشر میزان، ۱۳۸۵ش.
- انصاری، مرتضی، کتاب المکاسب، چاپ ۱۶، قم، مجمع الفکرالاسلامی، ۱۳۹۰ش.
- انصاف پور، غلامرضا، فرهنگ کامل فارسی، چاپ ششم، تهران، زوار، ۱۳۸۴ش.
- انوری، حسن، فرهنگ بزرگ سخن، چاپ چهارم، تهران، سخن، ۱۳۸۱ش.
- بزرگمهر، داود، «مسئولیت مدنی تولیدکنندگان کالا»، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۵۴، ۱۳۸۵ش.
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ترمینولوژی حقوق، تهران، گنج دانش، ۱۳۹۳ش.
- حاجی نوری، غلامرضا، «نقش تقصیر در ضمان ناشی از تسبیب»، مجله حقوق، ش ۲۷، ۱۳۹۱ش.
- حسینی مراغی، سیدمیرعبدالفتاح، العناوین، چاپ دوم، قم، مؤسسه النشرالاسلامی، ۱۴۲۵ق.
- دهخدا، علی اکبر، لغت‌نامه، چاپ دوم (از دوره جدید)، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۷ش.
- السنهوری، عبدالرزاق، مصادر الحق فی فقه الاسلامی، ۶ جلد، بیروت، احیاء التراث، ۱۹۵۳م.
- صافی گلپایگانی، لطف الله، جامع الأحکام (صافی)، قم، حضرت معصومه سلام الله علیها، ۱۴۱۷ق.
- صالحی، جواد، ابراهیمی، یوسف، «مبانی و قلمرو تعهد به ارائه اطلاعات به مصرف‌کننده کالا»، دو فصلنامه علمی- پژوهشی حقوق مدنی، شماره نخست، بهار و تابستان ۱۳۹۱.
- صباح مشهدی، حمید، «بررسی و تبیین قاعده‌ی تحذیر یا هشدار»، مجله دادرسی، شماره ۶۰، بهمن و اسفند ۱۳۸۵.
- همو، بررسی فقهی و حقوقی قاعده تحذیر (هشدار)، تهران، پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی، ۱۳۸۱ش.
- صدوق، ابی محمد بن علی بن الحسین بن موسی، من لایحضره الفقیه، قم، مؤسسه النشرالاسلامی، ۱۳۶۶.
- صفایی، سید حسین، دوره حقوق مدنی، تهران، نشریه مؤسسه عالی حسابداری، ۱۳۸۱ش.

- طاهری، حبیب‌الله، حقوق مدنی، جلد ۴، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۸ق.
- علی‌عسگری، ابراهیم، صالحی، سیدمهدی، جعفرزاده، سیامک، «بررسی مسوولیت ناشی از اخفای مضرات دارو و نقش قاعده تحذیر» حقوق پزشکی، شماره ۴۱، تابستان ۱۳۹۶.
- فتاح‌زاده، زهرا، امینی، علیرضا، «قلمرو ضمان تولیدکننده ناشی از عیب کالا و نقص اطلاع‌رسانی در نحوه صحیح مصرف»، مطالعات فقه و حقوق اسلامی، سال ۴، شماره ۶، بهار و تابستان ۱۳۹۱.
- قاسم‌زاده، سید مرتضی، «رابطه غرور و تقصیر»، دیدگاه‌های حقوق قضایی، شماره ۱۰ و ۱۱، تابستان و پاییز ۱۳۷۷.
- همو، «مسئولیت مدنی ناشی از ترک فعل (تقصیر از نوع سلبی یا ترک فعل)»، دانشگاه تهران، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۴۴، تابستان ۱۳۷۸.
- همو، «نقش سکوت در بیان اراده»، دانشگاه تهران، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۵۱، بهار ۱۳۸۱.
- قاسمی‌حامد، عباس، «مرور اجمالی بر نظریه تعهد به ارائه اطلاعات در قرارداد از دیدگاه حقوق فرانسه»، مجله کانون وکلا، شماره ۱۰، ۱۳۷۵ش.
- همو، «متخصص و متعهد به ارائه اطلاعات به مصرف‌کننده در حقوق»، مجله تحقیقات حقوقی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۴۹، بهار و تابستان ۱۳۸۸.
- قاسمی‌حامد، عباس، خالدی‌دوبرجی، پری، «مسئولیت خسارت وارده به مصرف‌کننده کالای معیوب و خطرناک در قوانین و مقررات جاری»، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی، سال ۱۲، ۱۳۹۰ش.
- قاسمی، محسن، «آثار ایفا در تعهدات قراردادی» پژوهشنامه حقوق اسلامی، شماره ۲۶، پاییز و زمستان ۱۳۸۶.
- کاتوزیان، ناصر، عقود معین، چاپ ۴، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۷۱ش.
- همو، الزام‌های خارج از قرارداد، ضمان قهری، چاپ دوم، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۸۷ش.
- همو، قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی، چاپ پنجم، تهران، نشر دادگستر، ۱۳۸۰ش.
- همو، قواعد عمومی قراردادها، ج ۵، چاپ ۴، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۳ش.
- همو، مسئولیت ناشی از عیب تولید، چاپ دوم، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۸۴ش.
- گلدوزیان، ایرج، حقوق جزای عمومی ایران، چاپ چهارم، تهران، انتشارات جهاد دانشگاهی، ۱۳۷۶ش.
- محقق داماد، سید مصطفی، قواعد فقه، چاپ پنجم، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۴ش.

مددی، صادق، مسئولیت مدنی تولیدکنندگان و فروشندگان کالا، چاپ اول، تهران، میزان، ۱۳۸۸ ش.
معلوف، لویس، المنجد، ترجمه محمد بندرریگی، تهران، انتشارات ایران، ۱۳۸۲ ش.
موسوی الخوئی، سید ابوالقاسم، مبانی تکملة المنهاج، ج ۲، قم، دارالهادی، ۱۳۹۶ ش.
موسوی بجنوردی، سید محمد، قواعد فقه، چاپ اول، تهران، مجد، ۱۳۸۵ ش.
وصالی ناصح، مرتضی، «مسئولیت مدنی ناشی از اراده‌ی ضمنی در قالب سکوت، مطالعه‌ی تطبیقی در
نظام حقوق عرفی»، فقه و حقوق ایران، دو فصلنامه علمی-پژوهشی دانش حقوق مدنی، سال دوم،
شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۲.

